انترناسیونال ٧٤٢

**شانزده آذر ١٣٩٦، عروج چپ اجتماعی در دانشگاه ها**

گفتگو با کیان آذر در مورد اعتراضات دانشجویان

**خلیل کیوان:** اعتراضات ۱۳ آذر یکبار دیگر بر این حقیقت که دانشگاه در ایران یک کانون مهم مبارزه سیاسی و یک عرصه از حرکت عدالتخواهانه مردم در ایران است، تاکید گذاشت. کسانیکه جنبش دانشجویی را از نزدیک دنبال نمیکنند، احتمالا بشکل مثبتی غافلگیر شده اند. شما انتظار این برآمد را داشتید؟

**کیان آذر:** شاید برای کسانی که تنگاتنگ مبارزات دانشجویان و وقایع در دانشگاه های کشور را دنبال نمیکنند شانزده آذر امسال غافلگیر کننده بوده باشد، اما برای ما که بخشی از فعالیت روزانه مان مربوط به دانشجویان است، از قبل این برآورد را داشتیم که امسال شانزده آذر ویژه باشد، پویا، بالنده، طبقاتی و چپ باشد. و فعالیتی سراسری از طرف دانشجویان چپ، سکولار، پیشرو و سازمانده را شاهد باشیم که با نقدی طبقاتی و سوسیالیستی و با سبک کاری اجتماعی سراغ وضعیت ضدانسانی حاکم در ایران بروند و در ادامه فعالیتهای دور گذشته، مهر شانزده آذری سرخ را به این مناسبت بزنند.

**خلیل کیوان:** اعتراض دانشجویان دانشگاههای ایران و تجمعات اعتراضی آنها در۱۳ آذر از جهات بسیاری قابل تعمق است؛ سراسری و گستردگی، همبستگی این اعتراضات با مبارزات کارگران، معلمان و بازنشستگان و سایر بخش های جامعه، برجسته بودن نقش زنان در برگزاری و حضور در این اعتراضات و همچنین طرح مطالبات رادیکال از ویژه گی های این اعتراضات بود. آیا ما بعد از یک دوره نسبتا طولانی از افت یا کم تحرکی در جنبش دانشجویی اکنون شاهد عروج این جنبش و دوره نوینی در محیط های دانشگاهی و جنبش دانشجویان هستیم؟

**کیان آذر:** نقطه عروج مبارزات ایندوره دانشجویان **و** مشخصا ١٦ آذر امسال را باید در پائیز نود و سه جستجو کرد. از پائیز ٩٣ ما شاهد عروج یک چپ اجتماعی و اتفاقا اینبار با جلو آمدن فعالین دانشجویی زن در سطح دانشگاه ها بودیم. بعد از یک سرکوب گسترده در سطح جامعه و مخصوصا در دانشگاه ها در نیمه دوم دهه هشتاد شمسی و مشخصا بعد از سرکوب اعتراضات ٨٨ و دوره بعد از آن، شاهد عروج جنبشهای اعتراضی در جامعه با یک نقد طبقاتی رادیکال بوده ایم. و در ادامه در سطح دانشگاه ها هم، فعالین چپ به جلوی صف مبارزات رانده میشوند.

ما شاهد جنبشی اعتراضی در مقابل سیاست خصوصی سازی و در برابر پولی سازی آموزش و تجاری سازی تحصیل، و طرح هایی همچون "کاج و کارورزی" که بدرست باید آنرا "بیگاروروزی" نامید هستیم که فشار زیادی روی دانشجویان و خانواده هایشان قرار میدهد و تحصیل را غیرممکن و یا بسیار دشوار میکند. سپردن بخشهای مختلف آموزش به بخش خصوصی و هزینه دارتر شدن تحصیل از تبعات آن است و تبدیل دانشجویان به نیروی کار ارزان و مجانی و مبهم بودن آینده برای آنان و ورود به این شکل به بازار کار برای دانشجویان، و از طرف دیگر فشار اخراج و دستمزدهای پائین و پذیرفتن شرایط کارفرما برای بخشهای دیگر طبقه کارگر، از تبعات طرح هایی مثل کاج و کارورزی ست. در برابر این وضعیت است که باید جنبش علیه بیکاری را متشکل کرد و پیش برد.

نکته دیگر تفکیک جنسیتی و تحمیل حجاب به دانشجویان و دخالت قوانین مذهبی در آموزش و پرورش است که با اعمال سیاست تک جنسیتی کردن رشته های درسی، محدودیت جغرافیایی برای دانشجویان دختر و بومی گزینی، جداسازی جنسیتی در سلف سرویسها و کتابخانه ها و کلاسهای درس، در راستای اسلامیزه تر کردن دانشگاه تلاش شده است. مسئله امنیتی کردن فعالیت دانشجویان بخاطر بیان و فعالیت حول مطالباتشان از دیگر زمینه های اعتراض دانشجویان همانند مطالبه فعالین کارگری بوده است. اما این سیاست های جمهوری اسلامی و مشخصا دولت روحانی مدام از طرف دانشجویان به چالش کشیده شده است و میبینیم همراه و دخالتگر با جنبش های قدرتمند اعتراضی جاری که در سطح جامعه وجود دارد، علیه وضعیت ضدانسانی که این حکومت به زندگی میلیونها نفر و منجمله دانشجویان تحمیل کرده تلاش میکنند.

**خلیل کیوان:** مطالبات و شعارهای دانشجویان رادیکال و فراگیر بود. بیانیه دانشجویان از سوی شوراهای صنفی ۳۲ دانشگاه صادر شد. در این بیانیه دانشجویان خواهان مطالباتی چون تحصیل رایگان، درمان رایگان و کار و مسکن برای مردم شدند. این حرکت علیه کالایی کردن دانشگاه و شهریه اجباری، علیه تبعیض جنسیتی و دانشگاههای پادگانی، علیه احضارها و بیحقوقی ها و علیه فقر و محرومیت مردم بود. چه دلایلی باعث فراگیر شدن، طبقاتی و چپ و رادیکالیسم بودن این حرکت شده است؟

**کیان آذر:** وضعیت اقتصادی بخش عظیم مردم ایران- از جمله کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و دانشجویان و.... - نسبت به سالهای پیش بدتر شده است. قدرت خرید مردم برای تامین نیازهای اساسی و داشتن زندگی با حداقل استاندارد زندگی کاهش یافته است. تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و مشخصا در ادامه دولتهای پیشین، دولت روحانی با ادامه و پیشبرد سیاست خصوصی سازی و اعمال طرحهایی مانند کارورزی و اتخاذ سیاستهای بشدت ضدانسانی موجب فراهم آمدن وضعیتی شده که تورم و گرانی، دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر، بیکاری و فقر بیشتری به بخش عظیمی از خانواده ها و شهروندان در کشور تحمیل شود. حتی با نگاهی به آمارهای منتشر شده از طرف خود رسانه های حکومت که بررسی "حداقلی و خوشبینانه" به وضعیت حاضر است میتوان درک کرد که چه تهاجم سراسری و بیرحمانه ای به معیشت مردم در حال انجام است. موقعیت مستاصل و ناگزیر حکومت، وضعیتی غیر این نیست. تمام تبلیغات حول پیشبرد برجام و نیز داشتن طرح ها و سیاستهای "کارشناسانه" و رونق اقتصادی که از طرف دولت روحانی در چندسال گذشته انجام گرفته بود در این دوره بیش از گذشته، پوچ و نتایج آن روشن تر از گذشته بر همگان مشخص شده است. در پیشبرد استراتژی اقتصادی و سیاسی فعلی هر دو جناح حکومت شریک و متفق القولند و مسئله بر سر هژمونی سیاسی و دست بالا داشتن جناحی در قدرت در حوزه سیاست و بردن سهم بیشتر از ثروتها و سودهای میلیاری است. همینطور که شاهدیم درآمدها و سودهای میلیاردی برای طبقه حاکم و سران حکومت و باندهای وابسته آن براه است و همه بخشهای حکومت در حال غارتگری بیش از پیش ثروتهای مردم ایران هستند.بخش عظیمی از کودکان بخاطر وضعیت ضعیف اقتصادی خانواده شان نمیتوانند تحصیل کنند و باید روانه بازار کار شوند و بخش زیادی نمیتوانند هزینه های سنگین تحصیل را تامین کنند و از ادامه تحصیل- در مقطع مدرسه و یا دانشگاه- محروم میشوند. کودکانی که خانواده شان از کشور دیگری مانند افغانستان و... به ایران آمده و در حال حاضر جمهوری اسلامی آنان را برسمیت نمیشناسد و برای همین اجازه تحصیل ندارند. همه اینها ابعاد مختلف شرایط دشوار و ضدانسانی تحصیل در ایران است.

اما در مقابل ما جامعه ای را میبینیم که علیرغم بیحقوقی و سرکوب و وضعیت ضدانسانی فعلی، بشدت فعال، پویا، در حال سازمان یافتن بیشتر و امیدوار به تغییر است. جنبشهای مبارزاتی بیش از پیش در حال گسترش و قوام یافتن هستند. خواسته ها و مطالبات، بیشتر از دوره های قبل، سیاسی، طبقاتی و رادیکال هستند. نقد طبقاتی عدالتخواه، رادیکال، سیاسی، سکولار و چپ اجتماعی و پراتیک و انسان محور بشدت در حال گسترش و تکثیر در جنبشهای مبارزاتی است. بخش عظیمی از فعالین و مردم در حال مبارزه و تلاش متشکل، برای حفظ حرمت انسانی که توسط جمهوری اسلامی مورد تعرض قرار گرفته هستند، و میکوشند با جنبش انسان محور و عدالتخواهانه شکل گرفته از پائین جامعه، مقابل این وضعیت بایستند و شرایط ضدانسانی موجود را تغییر دهند. تاثیر و ادامه این روند جامعه را میتوان بخوبی در دانشگاه ها و جلو آمدن نسل جدیدی از فعالین دانشجویی چپ دید.

**خلیل کیوان:** درست است. حرکت دانشجویان انعکاسی از تحرک گسترده در جامعه و بچپ چرخیدن حرکت های اعتراضی است. با این اوصاف موقعیت چپ در دانشگاه ها و جنبش دانشجویی چیست؟

**کیان آذر:** در ادامه توضیحات بالا ما با یک شرایط سیاسی مشخص و حساسی روبرو هستیم. جامعه ای پویا، بالنده، امیدوار و تلاشگر برای تغییر ریشه ای وضعیت موجود و این باور عمومی که خود مردم از طریق همبسته شدن و اتکا به نیروی خودشان میتوانند این شرایط ضدانسانی را تغییر دهند. موتور محرکه جنبشهای اعتراضی جاری در ایران همراه است با یک نقد کمونیستی کارگری، رادیکال و طبقاتی که برعلیه سرمایه داری و نماینده سیاسی آن در ایران یعنی جمهوری اسلامیست. این خط غالب در اکثر جنبشهای اعتراضی جاری در ایران و مشخصا در جنبش کارگری و دانشجویی میباشد. در حال حاضر این نوع چپ که یک چپ اجتماعی و پراتیک با جهان بینی و مواضعی که در بالا به مختصات آن اشاره کردم است که عملا دارد نشان میدهد که برای عبور از وضعیت فعلی در ایران راه حل واقعی و انسانی دارد. خود را بعنوان آلترناتیو و راهکار بروز میبیند و در حال تبدیل شدن به یک پدیده اجتماعی سیاسی مهم در صحنه سیاست ایران و نیز چلنج کننده جدی جمهوری اسلامی است. یک بخش اصلی از سازمان دهندگان و موتور محرکه این مختصات و جنبشهای مورد اشاره بالا، دانشجویان پیشرو و سازمانده چپ هستند که بخشا در سطح جامعه و بخشا در سطح دانشگاه مشغول به فعالیت و بازتکثیر نقد طبقاتی و سبک فعالیت و گسترش یک موج اعتراضی میباشند.

**خلیل کیوان:** شما در سازمان جوانان کمونیست بخشی از فعالیت تان معطوف به دانشگاه هاست. بنظر شما گام بعدی چه باید باشد؟

**کیان آذر:** در وهله اول، برای تثبیت موقعیت فعلی باید تلاش کرد، و اینکه اجازه نداد این پیشروی ها توسط حکومت پس گرفته شود، و یا برای فعالین دانشجویی هزینه های سنگین و محرومیتهای تحصیلی سیاسی، اقتصادی ویا اجتماعی دربرداشته باشد. بعلاوه، باید در جهت گسترش این جنبش اعتراضی در بین بدنه دانشجویان و در سطحی دیگر در بدنه جامعه تلاش کرد و تعداد بیشتری را همراه و دخالتگر و فعال نمود، و بموازات نفوذ سیاسی-اجتماعی بیشتری را در بخشهای مختلف جامعه بدست آورد. در ادامه باید بیشتر بعنوان یک آلترناتیو سیاسی، هم رو به جامعه، و هم رو به جناح های مختلف جنبش ملی اسلامی، و نیز روبه جریانات مختلف راست پروغرب و رسانه هایشان، شناخته شوند. باید فشار اعتراضی و جنبشی بیشتری به این نیروها و رسانه ها وارد شود. و در آخر میخواهم اشاره کنم که تشکل های مستقل باید ایجاد و تقویت و تثبیت شوند و در ادامه همین روند، بحث تحزب باید به یک مقوله جدی در بین فعالین مطرح باشد. جامعه برای رهایی از این وضعیت و رهایی از شر این حکومت و تغییر کیفی و ریشه این شرایط، احتیاج به حزب سیاسی و رهبری سیاسی توسط حزب طبقه و جنبش خودش را دارد. اینها در ادامه گامهای تاکنونی تمرکز ما برای دوره آتی خواهد بود و سعی در جا انداختن این روند و مباحث در بین فعالین دانشجویی پیشرو، سازمانده و چپ خواهیم داشت.